درس ۱
چشمه

به بی‌شمار آزمون مربوط به همین بخش دسترسی پیدا کنید.
- چشمه
- گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

ریزشیم (سؤال‌های خط‌به‌خط)

قلمرو زبانی

واژگان و املا

۱. واژگان مشخص‌شده را با توجه به تحول معنایی آن معنی کنید.

الف) راست به مانند یکی زلزله / داده تنش بر تن ساحل یله

ب) لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند

۲. پس از مرتب کردن اجزای جمله در بیت زیر، نقش هر کدام از کلمات آن را به‌ترتیب بنویسید.

«قطرهٔ باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گوهر تابناک»

۳. کلمات خط کشیده‌شده را با توجه به بیت معنی کنید. (حداقل دو معنی)

«گفت در این معرکه یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم

ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد»

دستور زبان

۴. در بیت زیر چند مفعول وجود دارد؟ بررسی کنید و جایگاه قرار گرفتن «را» در آن را بنویسید.

«نعره برآورده فلک کرده کر / دیده سیه کرده شده زهره‌در»

۵. ابتدا تعداد جملات در بیت را مشخص کنید، سپس احوال نهاد هر جمله را به‌تفکیک بنویسید، اگر معلوم است زیر آن در بیت خط بکشید.

«گفت در این معرکه یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم»

۶. در کدام گزینه‌ها املای یک واژه خطاست؟ شکل درست آن را بنویسید.

الف) خاست کزان ورطه قدم درکشد / خویشتن از حادثه برتر کشد

ب) زین نمط آن مست شده از غرور / رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

ج) گل به همه رنگ و برازنده‌گی / می‌کند از پرتو من زندگی

۷. در بیت «چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من»:

الف) کدام واژه در جایگاه «قید زمان» است؟

ب) اگر جمله به شیوهٔ بلاغی است، اجزای آن را مرتب کنید و ساده‌شدهٔ آن را بنویسید.

۸. درستی یا نادرستی عبارات زیر را با توجه به بیت مشخص کنید.

«چون بدوم سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من»

الف) «بر» و «دوش» با یکدیگر رابطهٔ تناسب دارند. ☐ درست ☐ نادرست

ب) «بوسه زند» فعل مرکب است. ☐ درست ☐ نادرست

۹. جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

«و آنکه غفلت بر احوال وی غالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش و پای‌کشان، چپ و راست می‌رفت و در فراز و نشیب می‌دوید تا گرفتار نشود.»

..... ، ..... ، ..... و ..... ، قید حالت هستند و «چپ و راست» به‌ترتیب نقش ..... و ..... دارند.

آزمون شبیه‌ساز ۱

سؤالات امتحانی: فارسی ۱ - درس ۱ | **رشته: رشته‌های شاخهٔ نظری**

نام و نام خانوادگی: | **مدت امتحان: ۸۰ دقیقه** | **تاریخ امتحان:**

		بارم
	قلمرو زبانی	۷
۳۲	**معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.** الف) در بـــن ایـــن پـــردهٔ نیلوفـــری کیســـت کنـــد بـــا چـــو منـــی همســـری ب) چشـــمهٔ کوچـــک چـــو بـــه آنجـــا رســـید وان همـــه هنگامـــهٔ دریـــا بدیـــد ج) راســـت بـــه ماننـــد یکـــی زلزلـــه داده تنـــش بـــر تـــن ســـاحل یلـــه	۰/۷۵
۳۳	**با توجه به متن زیر، شکل درست واژه‌هایی را که املای آن‌ها غلط است بنویسید.** «ولی چیزی که قریب، چیزی که باورنکردنی است، نمی‌دانم چرا موضوع مجلس همهٔ نقاشی‌های من از ابتدا یک‌جور و یک‌شکل بوده است. همیشه یک درخت سرو می‌کشیدم که زیرش پیرمردی غوزکرده شبیه جوکیان هندوستان ابا به خودش پیچیده چنباطمه زده و دور سرش شالمه بسته بود.»	۱
۳۴	**با دقت در جملات زیر، املای صحیح واژهٔ غلط را با توجه به معنای آن، بنویسید.** الف) در دفع مکاید دشمن تأخیر ثواب نبیند. ب) در آبگیری سه ماهی بود دو هاظم یکی عاجز. ج) دیگری هم که از پیرایهٔ خرد و ذخیرت تجربت بی‌بهر نبود.	۰/۷۵
۳۵	**کدام معنی از واژهٔ «همسری» در مصراع «کیست کند با چو منی همسری» برمی‌آید؟** الف) زوجه ب) برابری ج) هم‌خوابگی د) نبرد	۰/۲۵
۳۶	**با توجه به بیت زیر، درستی یا نادرستی هر یک از موارد داده‌شده را تعیین کنید.** «شـب تاریـک و بیـم مـوج و گردابـی چنیـن هایـل کجـا داننـد حـال مـا سـبک‌باران سـاحل‌ها» الف) در گروه اسمی «سبک‌باران ساحل‌ها» واژهٔ سبک‌باران نهاد است. درست ☐ نادرست ☐ ب) ترکیب «شب تاریک» یک ترکیب وصفی است. درست ☐ نادرست ☐	۰/۵
۳۷	**بیت «قمارخانهٔ دل را همیشه در باز است / نکرد هیچ‌کس این در به روی خلق فراز»:** الف) بیت را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید. ب) معنای فراز در بیت چیست؟ ج) نقش «باز» و «در» در مصراع اول را بنویسید.	۱/۲۵
۳۸	**هر چهار بیت دارای غلط املایی است، شکل صحیح آن کلمه‌ها را بنویسید.** الف) ذهـــی گویـــا ز تـــو کام و زبانـــم تویـــی هـــم آشـــکارا هـــم نهانـــم ب) نخسـت موعظـهٔ پیـر صحبـت ایـن حرفسـت کـــه از مصاحـــب ناجنـــس اهتـــراز کنیـــد ج) معاشـــران گـــره از زلـــف یـــار بـــاز کنیـــد شـبی خـوش اسـت بدیـن غصـه‌اش دراز کنیـد د) بـــه روی خـــود در تمـــاع بـــاز نتـــوان کـــرد چـــو بـــاز شـــد بـــه درشـــتی فـــراز نتـــوان کـــرد	۱
۳۹	**نهاد و مفعول هر یک از مصراع‌های زیر را مقابل آن‌ها بنویسید.** الف) روح را صحبت ناجنس عذابی است علیم ب) گل از شوق تو خندان در بهار است ج) حقیقت پرده برداری ز رخسار	۱/۵
	قلمرو ادبی	۵
۴۰	**در عبارات زیر جاهای خالی را به‌درستی کامل کنید.** «چشمه و سنگ» سرودهٔ ..... است. دریا در «چشمه و سنگ»، نماد ..... باشد.	۰/۵
۴۱	**هر سروده را به آرایهٔ ادبی مناسب آن وصل کنید. (دو آرایه اضافی است.)** الف) تویی رزاق هر پیدا و پنهان / تویی خلاق هر دانا و نادان ☐ ب) الهی فضل خود را یار ما کن / ز رحمت یک نظر در کار ما کن ☐ ج) نمی‌دانم، نمی‌دانم الهی / تو دانی و تو دانی آنچه خواهی ☐ ☐ تکرار ☐ تضاد ☐ حس‌آمیزی ☐ مجاز ☐ کنایه	۰/۷۵

سؤالات امتحانی: فارسی ۱ - درس ۱ | رشته: رشته‌های شاخهٔ نظری

نام و نام خانوادگی: | مدت امتحان: ۸۰ دقیقه | تاریخ امتحان:

		بارم
	قلمرو زبانی	۷
۵۷	**با توجه به معنی، واژهٔ درست را انتخاب کنید.** الف) صدای زنگ زیباترین (عمارت - امارت) به گوش می‌رسید. ب) (ضلالی - زلالی) آب حیات او را مدهوش کرد.	۰/۵
۵۸	**معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.** الف) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن چهره‌نما تیزپا ب) بارها دستبرد زمانهٔ جافی را دیده بود.	۰/۷۵
۵۹	**سه مورد نادرستی املایی را در گروه کلمات زیر بیابید و درست آن‌ها را بنویسید.** «مهلکهٔ دنیا - فرازونشیب - حازم و عاجز - وقت سباط - زین نمط - هامل سرمایه - بهر خروشنده»	۰/۷۵
۶۰	**شبه‌جملهٔ «زهی» در بیت «زهی گویا ز تو کام و زبانم / تویی هم آشکارا هم نهانم» چه معنا و کاربردی دارد؟**	۰/۵
۶۱	**با توجه به بیت به سؤالات زیر پاسخ دهید.** «ماییم مست و سرگران فارغ ز کار دیگران عالم اگر بر هم رود عشق تو را بادا بقا» الف) «مست و سرگران» چه نقشی دارد؟ ب) نقش کلمات خط کشیده‌شده را بنویسید. ج) کلمهٔ «بقا» با توجه به بیت می‌تواند چه نقشی بگیرد؟	۱
۶۲	**در نوشتهٔ زیر یک کلمهٔ «هم‌آوا» و یک کلمهٔ دارای تحول معنایی مشخص کنید.** «ای درشکسته جام ما ای بردریده دام ما ای نور ما ای شور ما ای دولت منصور ما»	۰/۵
۶۳	**با توجه به سرودهٔ زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.** «روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت» الف) «دوباره» نقش ..... دارد. ب) رابطهٔ معنایی «مهربانی و زیبایی» جزء کدام دسته از رابطه‌های زبانی است؟ ج) زمان فعل «خواهد گرفت» را بنویسید. د) چند قید در سروده به کار رفته است؟	۱
۶۴	**درستی یا نادرستی عبارات زیر را تعیین کنید.** الف) در پارهٔ «دوستت دارم و نمی‌گویم / تا غرورم کشد به بسیاری» یک متمم و سه مفعول وجود دارد. ☐ درست ☐ نادرست ب) در مصراع «کاروان آمد و دلخواه به همراهش نیست» نقش ضمیر متصل ـَـش مضاف‌الیه است. ☐ درست ☐ نادرست	۰/۵
۶۵	**در عبارت زیر نقش دستوری کلمات مشخص‌شده را بنویسید.** «درویش و توانگر به کم‌وبیش بد است کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم»	۰/۵
۶۶	**بیت زیر را ابتدا به شیوهٔ ساده برگردانید؛ سپس نهادهای هر جمله را مشخص کنید.** «مکن به نامه‌سیاهی ملامت من مست که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت؟»	۱
	قلمرو ادبی	۵
۶۷	**در بیت زیر مجاز و عباراتی را که باعث پی بردن به مجاز جمله شده است، مشخص کنید.** «دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا»	۰/۵
۶۸	**در بیت زیر «لوح» و «خون دل» هر یک نماد چه چیزی هستند؟** «خواجو چو کرده‌ای سبق خون دل روان از لوح کائنات فروشو غبار خویش»	۰/۵
۶۹	**مفهوم کنایهٔ قسمت مشخص‌شده را بنویسید.** «اورنگ کو گلچهر کو نقش وفا و مهر کو حالی من اندر عاشقی داو تمامی می‌زنم»	۰/۲۵

قلمرو زبانی

سؤالات مقایسه‌ای

۸۴. معنای واژگانی نقاب را در دو مصراع زیر بررسی کنید و در صورت مغایرت معنای آن را توضیح دهید. (ا)

الف) فغان مرغ برآمد نقاب گل که کشید
ب) چو گل نقاب برافکند و مرغ زد هوهو

۸۵. کدام بیت غلط املایی بیشتری دارد؟ زیر آن‌ها خط کشیده، شکل صحیح آن را بنویسید. (ا)

الف) علاج ضعف دل ما به لب هوالت کن — که این مفره یاقوت در خزانهٔ توست
ب) هاتف آن روز به من مژدهٔ این دولت داد — که بدان جور و جفا صبر و ثباطم دادند

۸۶. تعداد مفعول در بیت اول و دوم را بررسی کنید و با تعداد قیدها در بیت اول مقایسه کنید. (ا)

الف) می باقی بده تا مست و خوش‌دل — به یاران برفشانم عمر باقی
ب) غم کهن به می سال‌خورده دفع کنید — که تخم خوش‌دلی اینست پیر دهقان گفت

۸۷. با توجه به معنای بیت املای درست واژه را انتخاب نمایید. (ا)

الف) نقدها را بود آیا که (عیاری - آیاری) گیرند — تا همه صومعه‌داران پی کاری گیرند
ب) مطرب بساز پرده که کس بی (عجل - اجل) نمرد — وان کاو که این ترانه سراید خطا کند

۸۸. اجزای جملهٔ هر بیت را مرتب کرده، تعداد جملات کدام بیت بیشتر است؟ افعال آن را بنویسید. (ا)

الف) جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه — چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
ب) رهنشینان سر کوی تو از استغنا — هفت اقلیم فلک را به سر پا زده‌اند

قلمرو ادبی

سؤالات ترکیبی

۸۹. دو آرایه از ابیات زیر را به تفکیک هر بیت جداگانه بنویسید. کدام آرایه در دو بیت مشترک است؟ (ا)

الف) گر هزارم جواب تلخ دهی — اعتقاد من آنکه شیرینست
ب) هرآینه لب شیرین جواب تلخ دهد — چنان‌که صاحب نوش‌اند ضارب نیش‌اند

۹۰. آرایه‌های «تشبیه - تشخیص - حس آمیزی» را در بیت زیر پیدا کنید. هر کدام را توضیح دهید. (ا)

«سزای توست چون گل گریهٔ تلخ پشیمانی — که گفت ای غنچهٔ غافل دهن پیش صبا بگشا»

۹۱. برجسته‌ترین آرایهٔ هر بیت را در مقابل آن بنویسید. (ا)

الف) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند — همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
ب) چمان چو من به چمن با چمانه چم بر جوی — اگر معاینه جویی بهشت و ماء معین

۹۲. جاهای خالی را با آرایه‌های مناسب پر کنید. (ا)

بیت «کمان ابروی او گر کمین غمزه گشود / به شوق سینه سپر کن که تیر می‌آید» علاوه بر آرایهٔ تشبیه، ..... و ..... را نیز داراست.

۹۳. دو عبارت زیر را بررسی کنید، در کدام پاره هر دو آرایه‌های «مجاز و حس‌آمیزی» توأمان به کار رفته است؟ (ا)

الف) این است عطر خاکستری هوا که از نزدیکی صبح سخن می‌گوید
ب) با من به سلام خوش ای دوست زبان تر کن — تا از مژه هر ساعت لعل ترت افشانم

قلمرو فکری

سؤالات مفهومی - تصویری

۹۴. با توجه به بیت «ستاره بر سر مجمر نقد به‌جای سپند / برای رفع دیدهٔ خورشید هرزه‌گرد غیور»، «غیور» و «هرزه‌گرد» به‌ترتیب چه مفهومی می‌توانند داشته باشند؟ (ا)

۹۵. «داور» در پایان مصراع دوم به کدام‌یک از صفات الهی برگرفته از قرآن اشاره دارد؟ (ا)

«گوییا باور نمی‌دارند روز داوری — کاین همه قلب و دغل در کار داور می‌کنند»

۹۶. مفهوم بیت‌های زیر را در کوتاه‌ترین و موجزترین عبارت ممکن بنویسید. (ا)

الف) زیر شمشیر غمش رقص‌کنان باید رفت — کان که شد کشتهٔ او نیک سرانجام افتاد
ب) بر در میخانهٔ عشق ای ملک تسبیح گوی — کاندر آنجا طینت آدم مخمر می‌کنند

مرور و جمع‌بندی درس اول

☐ برای مقایسهٔ معنای واژه‌ای با معادل امروزی آن‌ها، ابتدا واژه را با توجه به بافت معنی کنید. کلماتی که کنار هم قرار گرفته‌اند به شما کمک خواهند کرد که به معنای کهنه یا مردهٔ آن واژه پی ببرید. مثلاً در بیت:

«راســـت بەمانـــد یکـــی زلزلـــه داده تنـــش بـــر تـــن ســـاحل یلـــه»

کلمهٔ «راست» را نمی‌توان به‌صورت «سمت راست» به‌مانند یک زلزله معنا کرد و در اینجا معنای قیدی «دقیقاً» دارد.

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

☐ ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی به‌صورت: «نهاد + مفعول + متمم + مسند + فعل» است در صورت جابه‌جایی هر کدام از این نقش‌ها جمله از حالت عادی خارج خواهد شد.

حواستان باشد: انواع قیدها «زمان، مکان و حالت» جای مشخصی برای قرار گرفتن ندارند، به دیگر سخن باید بگوییم وجود آن‌ها الزامی نیست.

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

☐ آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیدهٔ ذهنی در کلام را «حس‌آمیزی» می‌گویند. هرگاه دو واژه را به‌صورت ترکیبی دیدید که هر کدام از آن‌ها با یکی از حواس پنجگانه در هم آمیخته شده است، آرایه یا صنعت بدیعی «حس‌آمیزی» داریم.

در ترکیب «صدای آرام» چون هم «صدا» و هم «آرام» با یک حس قابل تشخیص هستند (شنوایی)، حس‌آمیزی نداریم اما اگر به‌صورت «صدای سرد» بیاید، صدا (شنوایی) و سرد (لامسه) است، پس «حس‌آمیزی» است.

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

☐ هرگاه به وجود آرایهٔ ادبی در عبارت یا بیتی شک کردید، به این نکته دقت کنید که اگر کلمه در معنای حقیقی خود به کار برود، با هیچ صنعت ادبی روبه‌رو نیستیم اما اگر در معنای مجازی و غیرحقیقی خود به کار برود، آرایه یا صنعت ادبی داریم. مثلاً وقتی به کسی می‌گوییم «عجب قلم خوبی داری!»

منظورمان جنس قلم (مداد) نیست. منظور نویسندهٔ خوب بودن است که واژهٔ «قلم» در اینجا در معنای مجازی یا غیرحقیقی خود به کار رفته است، قلم مجاز از نویسنده است.

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

☐ تمامی مجازهای به علاقهٔ شباهت استعاره هستند، پس هرگاه مجاز به علاقهٔ مشابهت داشتید، حتماً استعاره از نوع مصرحه هم دارید.

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

☐ برای سریع‌تر یافتن مجازها به‌دنبال «قرینهٔ صارفه» باشید. قرینهٔ صارفه یعنی کلمه، فعل یا عبارتی که شما را منصرف می‌کند که آن کلمهٔ مجازی را در معنای حقیقی خود به کار ببرید. به مثال دقت کنید:

«دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا»

فعل «سوختن» قرینهٔ صارفه‌ای است که خواننده را منصرف می‌کند، «عالم» را در معنای حقیقی گیتی و جهان بگیرد، چون دل گیتی و جهان نمی‌سوزد، دل مردم جهان می‌سوزد.

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

☐ برای پاسخ به سؤالات درک مطلب، مضمون و مفهوم هیچ‌گاه به‌دنبال معنی کلمه‌به‌کلمه نباشید، در این صورت شما آن را به نثر روان بازگردانی کرده‌اید. حواستان باشد یک بار بیت را بخوانید و فهم خود از آن بیت و متن را با توجه به کلمات به‌کاررفته در آن در یک ترکیب یا نیم‌خط بنویسید، در این صورت است که شما به مضمون و مفهوم آن پی خواهید برد.

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

☐ حواستان باشد همیشه کلمه‌ای که در بیت قرار دارد، همان کلمه، مضمون اصلی و درست را نمی‌سازد. به مثال دقت کنید:

«ســـاقیا برخیـــز و در ده جـــام را خـــاک بـــر ســـر کـــن غـــم ایـــام را»

این بیت به بی‌وفایی ایام یا نکوهش روزگار اشاره ندارد. با توجه به کلمات به‌کاررفته در آن، مفهوم بیت به «غم‌زدایی می» اشاره دارد. گول نخورید!

☐ بلد بودم ☐ بلد نبودم

۱. الف: راست به معنای دقیقاً و درست است که امروزه به معنای مخالف چپ و مستقیم هم به کار می‌رود. / ب: خیره در این بیت معنای متحیر و حیران دارد که امروزه معنای کنایی گستاخ هم گرفته است.

۲. قطرهٔ باران که به خاک درافتد گوهر تابناک بسیار زو بدمد.
قطرهٔ باران: گروه نهادی / قطره: نهاد / باران: مضاف‌الیه / که: حرف ربط وابسته‌ساز / به: حرف اضافه / خاک: متمم / درافتد: فعل / گوهر تابناک: گروه نهادی / گهر: نهاد / تابناک: صفت / بسیار (بس): قید / زو مخفف از او / از: حرف اضافه / او: متمم / بدمد: فعل

۳. معرکه: میدان جنگ، جای نبرد / پیرایه: زیور و زینت

۴. نعره را برآورده: مفعول: نعره / فلک را کر کرده: مفعول: فلک / دیده را سیه کرده: مفعول: دیده
نکته: «زهره‌در» گروه مسندی است با مفعول اشتباه نگیرید، مفعول در پاسخ سؤال چه چیز را و چه کس را می‌آید.

۵. سه جمله؛ ۱. گفت ۲. من در این معرکه یکتا هستم (یکتا منم) ۳. من تاج سر گلبن و صحرا هستم (صحرا منم) / نهاد جملهٔ اول: محذوف: او (گفت) نهاد جملات دوم و سوم معلوم و «من» می‌باشد.

۶. «الف» و «ج»: الف: خاست: خواست (طلب کردن) / ج: برازنده‌گی: برازندگی (گاف میانجی«های» غیرملفوظ را حذف می‌کند.)

۷. الف: چون (وقتی که) / ب: چون شکن موی خود را بگشایم، ماه رخ خود را در من ببیند.

۸. الف: **دقت کنید** «بر» در این بیت حرف اضافه برای ساختن متمم است. به معنای سینه و آغوش نیست که با دوش تناسب داشته باشد، پس عبارت نادرست است. / ب: بوسه‌ای را بزند، بوسه نسبت به زند که فعل است، نقش مفعول می‌گیرد، نمی‌توان بوسه زند را فعل مرکب گرفت.

۹. حیران، سرگردان، مدهوش و پای‌کشان، قید حالت هستند و «چپ و راست» به‌ترتیب نقش متمم و معطوف به متمم دارند.

۱۰. الف: نیما یوشیج (علی اسفندیاری) / ب: کلیله و دمنه - تعلیمی / ج: ادبیات تعلیمی

۱۱. الف: درست / ب: درست

۱۲. مثنوی معنوی، قابوس‌نامه و کلیله و دمنه تعلیمی هستند.

۱۳. الف: تشبیه: مشبه: محذوف، چشمه / مشبه‌به: صدف / ادات: چون / وجه‌شبه: به دهان برزده کف
بررسی تشبیه مصراع دوم: مشبه: چشمه / مشبه‌به: تیر / ادات: چو / وجه‌شبه: رود بر هدف
ب:کنایه: سر به گریبان بردن کنایه از نهایت شرمندگی و خِجلَت

۱۴. کر کردن فلک: اغراق / خاموش ماندن کنایه از سکوت / تاجی برای گلبن و صحرا بودن: تشبیه نهفته

۱۵. الف: چشمه نماد انسان‌های مغرور و خودبین؛ دریا نماد انسان‌های بزرگ و فروتن / ب: «چون» در مصراع دوم قید زمان است: هنگامی که چشمهٔ کوچک به آنجا رسید.

۱۶. سخن امری شنیدنی است که با فعل (دیدن) که حس بینایی صورت می‌گیرد، درهم‌آمیخته شده است. شاعر در این مصراع دو حس شنوایی و بینایی را با هم آمیخته است. شیرین چشیدنیست و سخن شنیدنی که حس‌آمیزی در آن به کار رفته است. (شیرین‌سخنی)
نکته: درآمیختن دو یا چند حس را حس‌آمیزی می‌گویند، مانند: شیرین‌سخنی.

۱۷. الف: پردهٔ نیلوفری مجاز از آسمان، با توجه به نیلوفری که رنگ آسمان است، می‌توان پردهٔ آبی را به آسمان تشبیه کرد که شباهت میان آن دو باعث بروز مجاز شده است. / ب: نرگس جادو مجاز از چشم؛ گل نرگس نمی‌تواند فتنه‌انگیزی کند، چشم که چون نرگس است (شباهت) فتنه می‌انگیزد. / ج: سر مجاز از قصد و اندیشه است با توجه به فعل نیست؛ سر باغ و بوستان نیست یعنی قصد رفتن به باغ و بوستان نیست.

۱۸. سر مجاز از پیشانی / بوسه زدن سبزه تشخیص دارد. / مراعات‌نظیر: می، بر و معشوقه / کف مجاز از دست؛ شاعر کف را اراده کرده اما منظور کل دست است.

۱۹. الف: حس‌آمیزی / ب: جناس

۲۰. اغراق

۲۱. ۳ بیت: بیت «الف»: نجوای نمناک / بیت «ب»: خندهٔ شیرین / بیت «ج»: روشنایی خنک، دو حس بینایی و لامسه آمیخته شده است.

۲۲. الف: بهانه‌های زرین - ترانه‌های شیرین / ب: مه مجاز از معشوق به علاقهٔ شباهت / ج: خیر؛ معنای حقیقی دارد. مجاز نیست.

۲۳. ب: در این بیت چشمه خود را عامل زیور و زینت باغ و بارش ابر می‌داند: خودبرتربینی

۲۴. قیمة کل الانسان بقدر همته: ارزش هر انسانی به اندازه همت اوست.

۲۵. برملا شدن راز عاشقی و غیرقابل پنهان ماندن آن

۲۶. الف: ۱. به داستان عاشقی لیلی و مجنون و اسطورهٔ عاشقی، مجنون ۲. پنج نوبت کوفته شدن زنگ بر درِ سرای پادشاهان / ب: ۱. داشتن انگشتری در دست سلیمان که با آن بر جهان فرمانروایی می‌کرد. ۲. دزدیده شدن خاتم سلیمان توسط دیوان و فرمانروایی دیوان بر مردم

۲۷. درست است؛ هر دو بیت به برملا شدن راز عاشقی اشاره دارد.

۲۸. چهره‌نما یعنی با غرور و تکبر و خودبینی

۲۹. وقتی پیچ و شکن موی خود را باز می‌کنم، ماه هم زیبایی خود را در من می‌بیند و از ماه هم زیباترم.

۳۰. این بیت تواضع در برابر دریا را نشان می‌دهد که با شخصیت چشمه که نماد غرور و خودبزرگ‌بینی بود در تقابل است.

۳۱. عدم داشتن غرور کاذب و خودبزرگ‌بینی (از ما بزرگ‌تر هم وجود دارد بهتر است متواضع باشیم.)

۳۲. الف:نیلوفری:صفت‌نسبی،منسوب‌به‌نیلوفر،به‌رنگ‌نیلوفر،لاجوردی(۰/۲۵) / ب: هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی (۰/۲۵) / ج: یله: رها، آزاد (۰/۲۵)

۳۳. قریب:غریب(شگفت‌آور)(۰/۲۵) / غوز:قوز(۰/۲۵) / ابا:عبا(چادر)(۰/۲۵) / چنباطمه: چنباتمه(۰/۲۵)

۳۴. الف: ثواب: صواب (درست) (۰/۲۵) / ب: هاظم: حازم (۰/۲۵) / ج: بی‌بهر: بی‌بهره (نصیب) (۰/۲۵)

۳۵. ب: همسری: برابری، یکتایی (۰/۲۵)

۳۶. الف: چه کسانی حال ما را نمی‌دانند؟ سبک‌باران ساحل‌ها: گروه نهادی؛ سبک‌باران: نهاد: درست (۰/۲۵) / ب: تاریک برای شب صفت و شب تاریک ترکیب وصفی است: درست. (۰/۲۵)

۳۷. الف: درِ قمارخانهٔ دل همیشه باز است. (۰/۲۵) هیچ‌کس این در را به روی خلق فراز نکرد. (۰/۲۵) / ب: فراز کردن به معنای بستن است. (۰/۲۵) / ج: باز: مسند (۰/۲۵) - در: نهاد (۰/۲۵)

۳۸. الف: ذهی: زهی (آفرین) (۰/۲۵) / ب: اهتراز: احتراز (دوری) (۰/۲۵) / ج: غصه‌اش: قصه‌اش (داستان) (۰/۲۵) / د: تماع: طماع (آز) (۰/۲۵)

۳۹. الف: نهاد: صحبت (۰/۲۵)، مفعول: ندارد (۰/۲۵): صحبت ناجنس برای روح عذابی الیم است. / ب: نهاد: گل (۰/۲۵)، مفعول: ندارد (۰/۲۵) / ج: نهاد: محذوف یا شناسهٔ «ی» در فعل «برداری» (۰/۲۵)، مفعول: پرده (۰/۲۵)

۴۰. چشمه و سنگ سرودهٔ علی اسفندیاری (نیما یوشیج) است. (۰/۲۵)
دریا در چشمه و سنگ نماد انسان‌های متواضع و فروتن است. (۰/۲۵)

۴۱. الف: پیدا و پنهان، دانا و نادان: تضاد (۰/۲۵) / ب: نظر در کار کسی کردن کنایه از کمال توجه دل است. (۰/۲۵) / ج: نمی‌دانم و تو دانی: تکرار (۰/۲۵)

۴۲. الف: نگاهی گرم و زبانی نرم (۰/۲۵): حس‌آمیزی (۰/۲۵) / ب: مجاز (۰/۲۵)، پای تا به سر مجاز از کل وجود (۰/۲۵)

نکته: گفتار شنیدن و رفتن دیدن، حس‌آمیزی نیست. سخن را با گوش می‌شنوند و و رفتن را تماشا می‌کند، پس درآمیختن حواس نداریم.

۴۳. مجاز: دست (۰/۲۵)

توضیح: دست مجاز از انگشتان دست، دست در زلف نمی‌رود، مراد انگشتان است. (۰/۵)

۴۴. الف: صفیر (صدا) گرم و بو شنیدن: حس‌آمیزی (۰/۲۵) / ب: مجاز: آسمان مجاز از کل آفرینش (۰/۲۵) / ج: مجاز: دهان مجاز از زبان (۰/۲۵)

۴۵. ج (۰/۲۵)؛ شیرین‌سخنی حس‌آمیزی است.

۴۶. الف: مجاز (۰/۲۵) و تشبیه (۰/۲۵)

نکته: شراب مجاز از جام شراب و تشبیه: شراب سلسبیل است.

ب: استعاره (۰/۲۵) و تضاد (۰/۲۵)

نکته: تشبیه: مکتب حقایق و ادیب عشق / استعاره: پسر استعاره از سالک مبتدی و پدر استعاره از پیر راه / تضاد: پدر و پسر

۴۷. قطرهٔ باران (۰/۲۵)

۴۸. آن: آن وصفی که بگویم (۰/۲۵) / جان جان (جانان): خداوند (۰/۲۵)

۴۹. الف (۰/۲۵)؛ مصراع دوم دقیقاً به آفرینش انسان از خاک اشاره دارد.

۵۰. عدم غرور و تکبر و خودبزرگ‌بینی (۰/۲۵)

۵۱. به دنیا آمدن پیامبر و زلزله در ایوان کسری (۰/۲۵)

۵۲. ما آنچه لازم است گفته‌ایم حال تو خواه پند گیر خواه ملال. (۰/۲۵)

۵۳. تلاش در جهت کسب رضای الهی (۰/۲۵)

۵۴. صومعه (۰/۲۵) را با خرابات (۰/۲۵)

۵۵. الف: خود سالک حجاب راه اوست. (۰/۵) / ب: لزوم آمیزش مردم با مردم (۰/۵) / ج: دور بودن آفات زمانه از یار (۰/۵)

۵۶. الف: آن کس که در کار استوارتر بود (۰/۵) بارها هجوم زمانهٔ جفاکار را دیده بود. (۰/۵) / ب: دیگری هم از زیور و زینت دانش (۰/۲۵) و کارآزمودگی و تجربه‌گری (۰/۲۵) بی‌بهره نبود. / ج: اندیشیدن در هنگام سختی و آزمون فایده ندارد. (۰/۵) / د: غفلت بر احوال وی چیره شد (۰/۲۵) و ناتوانی در کار وی ظاهر شد. (۰/۲۵) / هـ: دریای خروشانی (۰/۲۵) را دید که می‌جوشید و یکتا و ترسناک بود. (۰/۲۵) / و: نعره‌ای زد که گوش آسمان را کر می‌کرد (۰/۲۵) و زهره‌اش از ترس ترکیده بود. (۰/۲۵) / ز: خودش را به مردن زده بود. (۰/۵)

۵۷. الف: عمارت (ساختمان) (۰/۲۵) / ب: زلالی (پاکی) (۰/۲۵)

۵۸. الف: غلغله: شور و غوغاکنان (۰/۲۵) – تیزپا: تیزرو (۰/۲۵) / ب: دستبرد: هجوم و حمله (۰/۲۵)

۵۹. ۱. وقت ثبات (۰/۲۵) ۲. حامل سرمایه (۰/۲۵) ۳. بحر خروشنده (۰/۲۵)

۶۰. معنا: آفرین (۰/۲۵) / کاربرد: تنبّه و غبطه، تحسین است. (۰/۲۵)

۶۱. الف: مسند (۰/۲۵) / ب: فارغ: مسند (۰/۲۵) – عالم: نهاد (۰/۲۵) / ج: نهاد (۰/۲۵)

۶۲. کلمهٔ هم‌آوا: سور (جشن)، صور (شیپور) (۰/۲۵) / تحول معنایی: دولت (سعادتمندی) امروزه: کابینهٔ دولت وقت (۰/۲۵)

۶۳. الف: قیدی (۰/۲۵) / ب: تناسب (۰/۲۵) / ج: آینده (۰/۲۵) / د: ۲ تا (۰/۲۵)؛ روزی: قید زمان، دوباره: قید حالت

۶۴. الف: نادرست (۰/۲۵)؛ متمم: بسیاری – مفعول: ۱. تو را دوست دارم، مفعول ۲. نمی‌گویم، متعدی است. دو مفعول داریم نه سه تا. / ب: درست (۰/۲۵)؛ همراه او: مضاف‌الیه

۶۵. توانگر: معطوف به نهاد (۰/۲۵) / کار: مفعول (۰/۲۵) چه چیز را؟

۶۶. شیوهٔ ساده: منِ مست را به نامه‌سیاهی ملامت مکن / چه کسی آگاه است که تقدیر بر سرش چه نوشت؟ (۰/۲۵)

تو: نهاد (تو منِ مست را به نامه‌سیاهی ملامت مکن) (۰/۲۵) / چه کسی: نهاد فعل آگاه است. (۰/۲۵) / تقدیر: نهاد فعل نوشت (۰/۲۵)

۶۷. عالم مجاز از اهل عالم (۰/۲۵) / بسوزی واژه‌ای که ما را منصرف می‌کند، عالم را در معنای حقیقی آن یعنی جهان بگیریم. (۰/۲۵)

۶۸. لوح نماد نوشتن و ثبت امورات است (۰/۲۵) / خون دل نماد عشق و عاشقی زیاد (۰/۲۵)

۶۹. داو تمام زدن کنایه از به حد کمال و نهایت رسیدن (۰/۲۵)

۷۰. الف: تشخیص (۰/۲۵) (رگ روح) / ب: تشبیه (۰/۲۵) (صحیفهٔ هستی)

۷۱. الف: تشخیص: شمع خنده‌زنان گریه کند (۰/۲۵)، علت:گریه کردن ویژگی انسان است که به شمع نسبت داده شده پس تشخیص داریم. (۰/۲۵) / ب: وجه‌شبه: خنده‌زنان گریه کردن (۰/۵)

توضیح تشبیه: من چو شمع بر خود خنده‌زنان گریه می‌کنم.

۷۲. گوش هوش: (۰/۲۵) (تشخیص) / مزهٔ آواز (۰/۲۵) (حس‌آمیزی)

۷۳. حس‌آمیزی(۰/۲۵)

بیت اول: حس‌آمیزی: بو شنیدن / بیت دوم: حس‌آمیزی: تبسم شیرین

۷۴. کلیله و دمنه: نصرالله منشی (۰/۲۵)، الهی‌نامه: عطار نیشابوری (۰/۲۵)

۷۵. واژهٔ مجازی: زبان (۰/۵) / مفهوم: زبان مجاز از دهان (دهان بستن) (۰/۵)

۷۶. بی‌تأثیر بودن نصیحت در ضمیر من (۰/۵)

۷۷. او: فرزند تو که شاگرد معلم است. (۰/۲۵)

۷۸. الف: لولاک لما خلقت الافلاک (۰/۲۵) / ب: ﴿تعز من تشاء و تذل من تشاء﴾ (۰/۲۵)

۷۹. الف: تا نهال تر است باید راست کرد. (۰/۲۵) / ب: پیری زمان تربیت نیست. (۰/۲۵) / ج: مصلحان، تربیت‌کنندگان و پیران راه (۰/۲۵) / د: بله (۰/۲۵)

۸۰. الف: کارآزموده و جنگ‌آزموده (۰/۲۵) / ب: لشکریان نام‌آور در میدان جنگ باتجربه و جنگ‌دیده هستند. (۰/۲۵)

۸۱. ۱. بی‌انتهایی راه عشق (بی‌کرانگی عشق) (۰/۲۵) ۲. جان‌سپاری در راه عشق (۰/۲۵)

۸۲. الف: خداوند صاحب آسمان (بالا) و زمین (پست) (۰/۲۵) / ب: روزی‌دهندگی خداوند حتی به سرکشان (۰/۲۵)، عصیان (۰/۲۵)

۸۳. الف: خواست از آن میدان جنگ (۰/۲۵) خود را نجات دهد (۰/۲۵) و از آن حادثه (۰/۲۵) خود را کنار کشد (۰/۲۵) / ب: مردم جهان (۰/۲۵) از شور عشق بی‌خبر بودند. چشمان خمار تو (۰/۲۵) در جهان فتنه به پا کرد. (۰/۵) / ج: وقتی پیچ‌وخم از مویم باز کنم (۰/۵) / د: تو (خداوند) روزی‌دهنده آنچه دیدنی و آنچه نادیدنیست هستی. (۰/۵) / هـ: علت (۰/۲۵) عزت یافتن او تواضع و فروتنی‌اش (۰/۲۵) بود؛ آن‌قدر نیست شد (کنار گذاشتن غرور (۰/۲۵)) تا بلندی و هستی و وجود یافت. (۰/۲۵)

۸۴. در هر دو مصراع نقاب به معنای پوشش است (۰/۵) و نقاب افکندن گل یعنی شکفتن آن (۰/۵) مغایرت ندارد.

۸۵. الف (۰/۲۵)؛ هوالت: حوالت (۰/۲۵)، مفره: مفرح (۰/۲۵) / ب: ثباطم: ثباتم (۰/۲۵)

۸۶. تعداد مفعول بیت اول: دو مفعول (۰/۲۵): ۱. می ۲. عمر
تعداد مفعول بیت دوم: دو مفعو ل (۰/۲۵): ۱. غم (کهن) ۲.گفت: چه چیز را (متعدی است)، قید بیت اول: مست و خوش‌دل: گروه قیدی (۰/۲۵)
هر دو بیت دو مفعول دارند و بیت اول یک گروه قیدی دارد که مست: قید و خوش‌دل: معطوف به قید است. (۰/۲۵)

۸۷. الف: عیاری (سنجش) (۰/۵) / ب: اجل (فرشتهٔ مرگ) (۰/۵)

۸۸. تعداد جملات بیت «الف» بیشتر است. (۰/۲۵) / افعال بیت «الف»: عذر بنه، ندیدند، ره زدند (۰/۲۵) / اجزای جملهٔ «الف»: جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون حقیقت را ندیدند راه افسانه زدند. (۰/۲۵) / اجزای جملهٔ «ب»: رهنشینان سر کوی تو هفت اقلیم فلک را از استغنا به سر پا زده‌اند. (۰/۲۵)

۸۹. الف: جواب تلخ: حس‌آمیزی (۰/۲۵) – تلخ و شیرین: تضاد (۰/۲۵) / ب: جواب تلخ: حس‌آمیزی (آرایهٔ مشترک دو بیت) (۰/۲۵) – نوش و نیش: جناس (۰/۲۵)

۹۰. تشبیه: چون گل گریهٔ تلخ (۰/۲۵) / تشخیص: ای غنچهٔ غافل (۰/۲۵) / تشخیص دوم: دهان گشادن غنچه نزد صبا (۰/۲۵) / حس‌آمیزی: گریهٔ تلخ (۰/۲۵)

۹۱. الف: مجاز (۰/۲۵) سرو چمان مجاز از معشوق (۰/۲۵) / ب: واج‌آرایی (۰/۲۵) تکرار واج «چ» در مصراع اول (۰/۲۵)

۹۲. کنایه (۰/۵) و مراعات نظیر (۰/۵)
توضیح: تشبیه: کمان ابرو / سینه سپر کردن کنایه از ایستادگی / تیر و سپر و کمان: مراعات نظیر

۹۳. ب (۰/۲۵)؛ مجاز: لعل تر مجاز از اشک سرخ و خیس (شباهت) (۰/۲۵)، حس‌آمیزی: سلام خشک (۰/۲۵)
مورد «الف» فقط حس‌آمیزی دارد؛ عطر خاکستری (۰/۲۵)

۹۴. غیور: حسود (۰/۵) / هرزه‌گرد: بیکار و بی‌سروسامان (۰/۵)

۹۵. احکم‌الحاکمین (۰/۵) / خیرالحاکمین (۰/۵)

۹۶. الف: جان‌سپاری در مسیر عاشقی (۰/۵) / ب: ضرورت تعظیم فرشتگان در برابر شأن انسان به‌دلیل وجود عشق در سرشت او (۰/۵)

۹۷. الف: بریدن گیسو در هنگام از دست دادن عزیزی (۰/۵) / ب: لباس کبود پوشیدن صوفیان به‌دلیل عدم تعلق به دنیا (۰/۵)

۹۸. الف: درماندگی عقل در راه عشق (تقابل عقل و عشق) (۰/۲۵) / ب: شاه ابواسحاق اینجو (حاکم فارس در زمان حافظ) (۰/۲۵) / ج: کبک خرامان: شاه ابواسحاق اینجو (۰/۲۵) – شاهین قضا: امیر مبارزالدین محمد (شکست دادن ابواسحاق و تسلط بر فارس و شیراز) (۰/۲۵)

۹۹. نهاد اول: ذات – نهاد دوم: قرار دادن (فعل) / مستغنی: بی‌نیاز / مولع: بسیار مشتاق، آزمند

۱۰۰. گروه واژگان متضاد: ۱. عیب و هنر ۲. مولع و بی‌نیاز
گروه واژهٔ متناسب: محال و بی‌اصل

۱۰۱. امله‌ها: عمله‌ها

۱۰۲. الف: حذف به قرینهٔ معنایی: به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها (آغاز می‌کنم) / ب: حذف به قرینهٔ لفظی: خاصه قرابت خویش را (حق‌شناس باش)

۱۰۳. الف: سیروس، برادر بزرگش «بود»: حذف به قرینهٔ معنایی / ب: فاقد حذف است.

۱۰۴. نوع حذف «ج» لفظی است: تا به چه غایت (است)
حذف «الف»: معنایی: دردم نهفته به (است)
حذف «ب»: معنایی: افسوس (می‌خورم)

۱۰۵. بهمن من را می‌بینی؟ بهمن (من را می‌بینی): حذف به قرینهٔ لفظی

۱۰۶. مضارع اخباری: می‌شنوی / منفی: نمی‌شنوی

۱۰۷. امر: بزی – ماضی استمراری: می‌زیستم / امر: بگویید – ماضی استمراری: می‌گفتید

۱۰۸. کوش: امر / بنگردی: مضارع التزامی / نشوند: مضارع اخباری منفی (نمی‌شوند)

۱۰۹. الف: عنصرالمعالی / ب: جمال میرصادقی

۱۱۰. دیوار (جمال میرصادقی)

۱۱۱. گندم‌نمایِ جوفروش مباش: اهل ریاکاری و ریایی رفتار کردن نبودن

۱۱۲. رفتار و احوالات خود را تغییر نمی‌دهند.

۱۱۳. ب: آتش سر زبانش چسبیده، کنایه از اینکه دیگر نمی‌تواند حرف را نگه دارد.

۱۱۴. تشبیه: دیوار: مشبه / مثل: ادات / دیو: مشبه‌به

۱۱۵. زاویهٔ دید: سوم شخص / دیوار نماد جدایی

۱۱۶. تضاد: عیب و هنر
مثالی دیگر از همان صنعت: زشت و زیبا – خوب و بد

۱۱۷. الف: زود امیدوار و ناامید نشدن / ب: ظاهرت با باطنت یکی باشد. / ج: امیدواری و ناامیدی در پس یکدیگر هستند.

۱۱۸. ب: گذران بودن شادی و غم

۱۱۹. حاسبوا قبل أن تحاسبوا: به حساب خود رسیدگی کنید پیش از آنکه به حساب شما رسیدگی شود.

۱۲۰. اگر نتیجهٔ شادی غم باشد آن را شادی نمی‌توان به شمار آورد.

۱۲۱. آموختن و یادگیری مانع ننگ و بدنامی است

۱۲۲. ۱. استرس و اضطراب و ترس ۲. بی‌قراری

۱۲۳. دیوار که میان خانه‌ها کشیده شده است نمادی از جدایی است، باید این دیوار جدایی را فروریخت اما نه به معنای ظاهری.

۱۲۴. سخن‌آرایی: به نظم و نثر کشیدن سخن / ابداع کنم: نوشتن

۱۲۵. الف: حرمت بزرگان و ریش‌سفیدان قبیله را داشته باش ولی آزمند نباش. / ب: سختی کشیدن هیچ‌کس را پایمال مکن و حق‌شناس همه‌کس به شایستگی باش. / ج: اگر غم یا شادی به تو می‌رسد با کسی در میان بگذار که از غم و شادی تو پرستاری کند (محافظت کند). / د: از نیکی کردن دست نکش و خود را با نیکی و نیکوکاری به مردم نشان بده (جلوه بده).

۱۲۶. الف: مستغنی: بی‌نیاز (۰/۲۵) / ب: مولع: آزمند، بسیار مشتاق (۰/۲۵) / ج: تیمار: غم، حمایت، نگاه‌داشت، توجه (۰/۲۵)

۱۲۷. ج: عمله: زیردست (۰/۲۵)

۱۲۸. الف: رحشه: رعشه (۰/۲۵) / ب: قریبه: غریبه (۰/۲۵)

۱۲۹. حیاط (صحن) (۰/۲۵): حیات (زندگی) (۰/۲۵)

۱۳۰. ماضی استمراری: می‌ریخت (۰/۲۵) / مضارع اخباری: می‌ریزد (۰/۲۵) / ماضی نقلی منفی: نریخته است (۰/۲۵)

۱۳۱. الف: نهاد محذوف + قید مکان + فعل (او پشت پنجره ایستاده بود.) (۰/۲۵) / ب: صفت (۰/۲۵) – مضاف‌الیه (۰/۲۵) / ج: معنوی (ایستاده بود.) در جملهٔ نخست (۰/۲۵) (او پشت پنجره ایستاده بود و میله‌های آهنی را با دست‌هایش می‌فشرد.)

۱۳۲. الف: اول (۰/۲۵) – دارد (۰/۲۵) (شکر خدا می‌کنم.) / ب: صفت اشاره (۰/۲۵) – نهاد (۰/۲۵)